

شعر

من ایران محبوب
MY BELOVED IRAN TO MY

من ایران محبوب من
TO MY BELOVED IRAN TO MY BELO

من ایران محبوب من ایران محبوب من ایران محبوب من ایران
VED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY

محبوب من ایران محبوب من ایران محبوب من ایران محبوب من ایران
IAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BELO

من ایران محبوب من ایران محبوب من ایران محبوب من ایران
IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY

محبوب من ایران محبوب من ایران محبوب من ایران محبوب
ELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRA

محبوب من ایران محبوب من ایران محبوب من ایران محبوب من
M' VED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BE

ایران محبوب من ایران محبوب من ایران محبوب من
MY BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO

ایران محبوب من ایران محبوب من ایران محبوب من
Y BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO MY BELOVED IRAN TO

من ایران محبوب من ایران
AN TO MY BELOVED IRAN TO



written by:
mani moustofi
TEFL student at
Shahid Maghsoudi Campus of Hamedan's Farhangian University

نوشته:
مانی مستوفی
دانشجوی رشته آموزش زبان انگلیسی در
پردیس شهید مقصودی دانشگاه فرهنگیان همدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

IN THE NAME OF GOD

To My Beloved Iran

ایرانِ محبوب من

To the land of epic warriors,
To the cradle of art and flame,
To the soil where cypress and oak still rise,
And the stars still whisper your name—

ای سرزمین دلاوران افسانه‌ای،
مهد هنر، آتش، و آوای آسمانی.
ای خاکی که سرو و بلوط در آن قد افراشته‌اند،
و ستارگان هنوز نامت را زمزمه می‌کنند

To my motherland: I stand with you.
You are the breath within my chest,
And while you live, I live too—
Which means forever, without rest.

ای میهنم، من در کنار تو ایستاده‌ام.
تو نفسی هستی در سینه‌ام،
تا زمانی که تو باشی،
من نیز خواهم بود و این یعنی تا ابد.

For five long millennia you've faced the storm,
Time's trials and fire's form.
Yet still you rise — unbroken, proud,
Like Alborz piercing every cloud.

پنج هزار سال، تو طوفان را تاب آورده‌ای،
آزمون آتش و خشم را.
و هنوز هم شکست‌ناپذیر و سرافراز برمی‌خیزی
چون البرز که تا آسمان می‌تازد.

We are lions when it comes to land,
We fight, we guard, we make our stand.
Not ruthless, no — but firm and true,
Our borders red with honor's hue.

ما شیرانیم، آنگاه که سخن از خاک می‌آید،
می‌جنگیم، پاس می‌داریم، پابرجاییم.
نه بی‌رحم، نه ستم‌پیشه
اما مرزمان به رنگ عزت است و به همین رنگ خواهد ماند.

From Tabriz, the heart that beats for you,
To Zahedan, the gate of the eastern blue.
From Khorasan's dawn to Shalamcheh's flame,
Each inch of you — we bless your name.

از تبریز، قلب تپنده‌ات،
تا زاهدان، دروازه‌ی آبی مشرق.
از سپیده‌دم خراسان تا شعله‌ی شلمچه،
بر هر وجب از تو، بوسه‌ای شایسته است.

We stand against the fiends and flames,
Who seek to break you, chant their claims.
But they are wrong — for we are flame,
And will not fall in fear or shame.

ما در برابر دیوان و دوزخیان ایستاده‌ایم،
آنان که می‌خواهند تو را در هم شکنند.
اما گمراهند، چرا که ما خود آتشی افروخته‌ایم،
و هرگز زبون ترس یا شرم نمی‌شویم.

Until the last of us draws breath,
We'll guard you still — in life or death.
And kiss each stone from sea to peak,
For every inch of you we seek.

تا واپسین نفس، پاسداری خواهیم بود،
در زندگی و حتی در مرگ.
و بر هر سنگ، از دریا تا قله، بوسه خواهیم زد
چرا که تو را، ذره ذره دوست می‌داریم.

O Iran, my soul, my scar, my sun—
You're beautiful as you are, and one.
Your wounds will heal, your skies will clear,
And we — your children — still stand near.

ای ایران، ای جان من، ای زخم و آفتابم
تو زیبایی و بی همتا چنان که هستی.
زخم‌هایت درمان خواهد یافت، آسمانت صاف خواهد شد،
و ما فرزندان، هنوز در کنارت هستیم.

Stay strong. The night is almost gone.
The dawn is yours
And we shall lift you, hand in hand,
To take your place across the land.

قوی بمان. شب رو به پایان است.
سپیده‌دم از آن توست.
و ما، دست در دست هم،
تو را به جایگاه شایسته‌ات باز می‌گردانیم.

To the top of the world, again you'll climb—
For you are Iran. Eternal. Sublime.

دوباره بر فراز جهان خواهی ایستاد
چرا که تویی ایران؛ جاودان و باشکوه.